



DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.57.6.7

۱. نویسنده مسئول: دکتری علوم سیاسی، استاد مدعو و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
majid1366beheshhti@gmail.com

۲. آموخته دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

عربستان سعودی و مخاطرات مرزی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان

مجید شمس الدین نژاد^۱ | حمید رضا شیرزاد نشلی^۲ | محمد داوند^۳

چکیده

شواهد نشان می‌دهد که در چند سال اخیر ناامنی در منطقه مرزی ایران و پاکستان، روندی روبه‌گسترش طی نموده است. نویسنده معتقد است جدای از شرایط خاص دو کشور، عربستان سعودی در این مهم نقش بسزایی ایفا نموده. لذا ضرورت دارد یک بررسی جامع در این زمینه صورت پذیرد تا ضمن شناخت همه جانبه تهدیدات مزبور مرزی، هزینه‌های مادی و معنوی به کار گرفته شده در جهت رفع این تهدیدات، به حداقل برسد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر تحلیل نقش و سازوکار عربستان سعودی در ناامن سازی مرز جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و همچنین شناسایی تهدیدات مزبور در این منطقه مرزی است. لذا این پرسش مطرح است که نقش عربستان در در ناامن سازی مرز جمهوری اسلامی ایران و پاکستان چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ فرضیه اصلی این مقاله عبارت است از اینکه عربستان بواسطه نقش «مروج وهابیت» که برای خود قائل است، موجب تحریک مستقیم گروه‌های افراطی پاکستانی علیه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. نویسنده با استفاده از روش تحلیلی به این یافته‌ها دست یافته است: عربستان با استفاده از گروه‌های تروریستی - تکفیری؛ به تقویت وهابیت و شیعه‌ستیزی، ترویج حرکت‌های تجزیه‌طلب و تقویت قاچاق مواد مخدر در مرز ایران و پاکستان می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، گروه‌های افراطی، پاکستان، مرز

مقدمه و بیان مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهمترین مسائل بین ایران و پاکستان فعالیت گروه‌های تروریستی و افراطی پاکستانی در مرزهای دو کشور است. با توجه به گسست‌های ایدئولوژیک موجود در منطقه غرب آسیا و نیز گسترده‌گی مرز این دو کشور، به نظر می‌رسد تهدیدات امنیتی از سوی این گروه‌ها برای منافع ملی ایران در چند ساله اخیر گسترش یافته و در نتیجه هزینه‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کنترل و مهار این تهدیدات افزایش یافته است. نویسندگان در شناسایی تهدیدات گروه‌های افراطی پاکستانی علیه مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران برای عربستان جایگاه ویژه‌ای قائل هستند.

لذا هدف پژوهش حاضر، تحلیل نقش عربستان سعودی در ناامن‌سازی مرز جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و همچنین شناسایی تهدیدات مزبور در این منطقه مرزی است. یکی از حیاتی‌ترین اهداف هر کشوری، تلاش در جهت حفظ تمامیت ارضی و پاسداری از رفاه شهروندان خود است. بنابراین ضرورت دارد جامعه دانشگاهی به منظور تحقق کاهش تهدیدات مرزی چپستی، چگونگی و ابعاد و اضلاع آن را تبیین کنند. از این حیث، واقعیت میدانی نشانگر آن است که گروه‌های افراطی فعال در پاکستان دارای انواع ظرفیت‌های تهدیدزا علیه مرزهای ایران هستند. نویسندگان معتقدند عربستان سعودی به شکل مستقیم و غیر مستقیم بنیان‌گذار تهدیدات گروه‌های مزبور در مرزهای ایران و پاکستان است. مهم‌ترین دلیل این امر نیز حمایت مادی و معنوی عربستان از فرقه ضاله وهابیت است.

توضیح آنکه، خط اصلی دیپلماسی فرهنگی عربستان در جهان و منطقه غرب آسیا مطرح کردن این مسئله به کشورهای اسلامی است که این کشور ام‌القرای دنیای اسلام است و مقاومت در برابر ام‌القرای هزینه‌های عدیده‌ای برای آنها دارد. از طرفی، مبانی معرفتی و فرهنگی انقلاب اسلامی و مجریان سیاست خارجی ایران این دیپلماسی را بر نمی‌تابند. بالتبع سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی عربستان در تلاش است تا با بهره‌گیری از طرق گوناگون بنیان‌های اعتقادی انقلاب اسلامی را که جنبه فرامرزی دارند، سست کند، راهبردهای فرهنگی ایران را با توزیع جزوه، کتاب و امواج ماهواره‌ای تخریب نماید و زیست اجتماعی و سیاسی اهل تسنن در ایران را امنیتی سازد.

بنابراین، فرضیه اصلی این مقاله عبارت است از اینکه عربستان سعودی آنجاییکه نقش ام‌القرآ برای خود قائل است؛ مروج وهابیت در جغرافیای جهان اسلام است و موجب تحریک مستقیم گروه‌های افراطی پاکستانی علیه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. براین اساس، این سؤال مطرح است که نقش عربستان سعودی به طور خاص در ناامن سازی مرز جمهوری اسلامی ایران و پاکستان چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

۲. پیشینه و نوآوری تحقیق

محمد حیدری، سهراب انعامی علمداری و فرهاد فتاحی در مقاله «ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی»، پاسگاه‌های مرزی، بازارچه‌های مرزی و راه‌های مرزی را به ترتیب اولویت یک تا سه، جزو موثرترین و اثر بخش ترین متغیرها بر روی طرح مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور می‌دانند. نویسندگان بر اثربخش بودن دیپلماسی، ایجاد موانع فیزیکی، استقرار و توسعه هنگ‌های مرزی و استفاده از تجهیزات الکترونیکی و فنی تأکید دارد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱). کاویانی در مقاله «کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان»، بر این باور است که دو کشور باید روابط نه تنها سیاسی بلکه روابط اقتصادی خود را در منطقه بلوچستان افزایش بدهند. نویسنده، عواملی مانند قاچاق و ترانزیت مواد مخدر، کالا، انسان، سوخت و تروریسم را باعث اتخاذ رویکرد مدیریتی نظامی - امنیتی در این منطقه دانسته است (کاویانی راد، ۱۳۹۵). قاسمی پور و صفی پور در مقاله، «بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب‌نظران»، به بررسی تأثیر اقداماتی مانند حفر کانال، احداث پاسگاه، نصب سیم خاردار، دیوارکشی و استفاده از تجهیزات مدرن واپایشی (اپتیک)، در راستای انسداد مرز با پاکستان برای تأمین امنیت پرداخته‌اند (قاسمی پور و صفی پور، ۱۳۹۲).

مهم‌ترین نوآوری این تحقیق، که در سایر پژوهش‌ها به آن عنایت نشده است، توجه به نقش عربستان سعودی در ناامنی مرز ایران و پاکستان به عنوان یک کنشگر ثالث است. در واقع در این تحقیق ضمن بررسی ویژگی‌های طبیعی مرز ایران و پاکستان به عوامل منطقه‌ای، هویتی و دیپلماتیک در ناامنی آن به عنوان عامل اصلی تنش اشاره شده است.

۳. مبانی نظری: درهم تنیدگی دیپلماسی، هویت و جغرافیا

از میان شاخه‌های مذاهب مختلف دین اسلام، مذهب کشور عربستان سعودی - سنی وهابی است که تعصب مذهبی و عدم تسامع در امور دینی از نشانه‌های آن است. این مذهب در تشکیل و تاسیس عربستان مهم‌ترین عامل ایدئولوژیک این دولت بود. از همین رو بررسی نقش وهابیت در بقای سیاسی سعودی و راهبرد منطقه‌ای آن حائز اهمیت است. رژیم سعودی دچار شکاف‌های گسترده‌ای است که نمی‌تواند با ابزارهای سنتی (چماق و هویج) و راه‌حل‌های موقت، آن‌ها را حل و فصل کند. شکاف ژرفی بین واقعیت اجتماعی و ایدئولوژی رژیم وجود دارد، ایدئولوژی‌ای که از طریق اتحاد قبیله حاکم با دستگاه علمای وهابی با تفسیر وهابی از اسلام توجیه می‌شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد تضاد مدرنیزاسیون و ایدئولوژی سنتی چالش عمده‌ای باشد که در آینده عربستان را دچار تحول خواهد ساخت (احمدیان، ۱۳۹۰: ۸۵). لذا عربستان همواره از فرقه‌گرایی به‌عنوان راهبردی ضدانقلابی علیه تحولات منطقه‌ای استفاده کرده است که با افراطی‌گری برای اختلافات قومی و مذهبی در این راستا گام برمی‌دارد. یکی از اهداف مهم عربستان در سیاست خارجی، ترویج آیین وهابیت است تا از این طریق حوزه نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و رهبری جهان اسلام و برتری خود را در منطقه غرب آسیا گسترش دهد. نخبگان سیاسی آل سعود برای رسیدن به این اهداف مجبورند سیاستی را در پیش بگیرند که به امنیت داخلی این کشور خللی وارد نشود.

عربستان سعودی با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی و در پوشش رفتارهای حمایتگرانه در کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا در پی تبلیغ فرقه ضاله وهابیت است (عرب‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در افغانستان که معمولاً عالمان دینی آن، در مدارس و دانشگاه‌های کشورهای عربستان و پاکستان می‌کنند. اکثریت این مراکز، با هزینه و امکانات کشور عربستان تأمین می‌شوند (رجایی، ۱۳۸۸) اعزام مبلغان وهابی به مراکز اسلامی، دعوت از اساتید و شخصیت‌های مذهبی جهت مسافرت به عربستان و اعطای بورس تحصیلی، کمک‌های مالی، تبلیغ در موسم حج و توزیع گسترده کتب و نشریات تبلیغی علیه شیعه از جمله مهمترین اقدامات آل سعود جهت تبلیغ برای فرقه وهابیت در پاکستان است. در حال حاضر اکثر ائمه جماعات مساجد پاکستان توسط مدارس علمیه عربستان تأمین می‌گردد. فرقه «دیوبندی» جزء مذهب حنفی و از دسته وهابیت،

حدود ۲۵ درصد از جمعیت اهل تسنن پاکستان را تشکیل می‌دهند (پیشگامی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۶). ترسیم جغرافیای مذهبی خلیج فارس و جایگاه ترویج وهابیت توسط عربستان در آن بدین گونه است: در شمال و بخشی از شمال غربی آن شیعیان حاکم هستند. در بقیه نقاط، اهل تسنن با گرایش‌های مختلف زندگی می‌کنند. در دامان این بخش از جامعه اسلامی دو فرقه نسبتاً فعال از اقلیت یعنی وهابیون و خوارج اباضیه پرورش یافته‌اند. براین اساس، وهابیت از عربستان شروع شده، بیشترین فشارها را بر شیعیان این کشورها وارد آورده و باعث محرومیت و آزار آنها شده است. خصومت و اختلافات دیرین بین شیعیان و وهابیون، اکنون، در عراق نیز به اوج خود رسیده است (زین‌العابدین و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۳).

از طرفی، انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تاثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور تهدیدات بازیگران دولتی و غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) شد (رضایپور، ۱۳۹۳: ۴۱). امام خمینی (ره)، به عنوان رهبری این انقلاب، بر بعد سیاسی آموزه‌های اسلامی شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کرد و در همین راستا، هدف نهایی انقلاب را که به بیان او ماهیتی کاملاً اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کرد (ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸). لذا تمامی ابعاد و اضلاع سیاست داخلی و خارجی عربستان در این ارتباط، حفظ وضع موجود و جلوگیری از ورود جهان اسلام به مرحله جدیدی از حیات سیاسی تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القری جهان اسلام است. از سوی دیگر آشکار است که نقش ام‌القری بودن ایران در جهان اسلام وظایفی را برای این کشور در نظر می‌گیرد که حساسیت و واکنش منفی عربستان سعودی را بر می‌انگیزد. بنا بر این ملاحظات، نویسنده مهم‌ترین علت تنش‌ها و ناامنی‌های در مرز ایران و پاکستان را ناشی از اختلاف جهان‌بینی این دو کشور در جهان اسلام می‌بیند که درک این تهدیدات فزاینده در گرو درک سیاست خارجی تقابلی دو کشور در منطقه است.

۱-۳. دیپلماسی ایدئولوژیک عربستان علیه ایران در جغرافیای جهان

اسلام

به اعتقاد نویسنده این نزاع بیشتر حول سه منطقه خلیج فارس، شمال آفریقا و غرب آسا و شبه قاره در جهان اسلام محسوس است. اما آنچه که حائز اهمیت است اینکه در منطقه شبه قاره از اختلافات عقیدتی و سیاسی به شکل همزمان بر خلاف دیگر مناطق استفاده برده و همواره تهدیداتی علیه جمهوری اسلامی ایران از سمت مرزهای شرقی به وجود آورده است.

۱-۱-۳. خلیج فارس

در منطقه خلیج فارس که ۶۰ تا ۷۰ درصد ذخایر انرژی جهان (بالامیر^۱، ۲۰۱۷: ۷-۴) در آن قرار دارد، می‌توان نشانه‌هایی از تعارض منطقه‌ای ایران و عربستان با اهداف استراتژیک آمریکا را ملاحظه کرد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۱). کشورهای عرب منطقه دارای زیرساخت‌های نسبتاً مشترک دفاعی و امنیتی هستند. با وجود چنین شرایطی زمینه برای جدال و طرح موضوعات مناقشه‌آمیز نیز وجود دارد. از آنجایی که اتخاذ مواضع سیاسی اغلب این کشورها تحت تأثیر و نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر شکل می‌گیرد، خویشتنداری سیاسی و امنیتی آن‌ها نسبتاً محدود است، از این رو، می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که بر اساس آن جلوه‌های از تعارض و جدال استراتژیک به گونه‌ای پایان‌ناپذیر [بین ایران و عربستان] تکرار شود (Einhorn, 2016: 11). علت شکل‌گیری برخی از مناقشات را می‌توان فقدان ادبیات سیاسی و هنجارهای امنیتی مشترک دانست. بنابراین، نزاع دو کشور در منطقه خلیج فارس، بیش از آنکه عوامل فرهنگی و عقیدتی باشد، امنیتی و سیاسی است.

۲-۱-۳. شمال آفریقا و غرب آسیا (با تأکید بر بیداری اسلامی)

عربستان سعودی از زمان شکل‌گیری بیداری اسلامی در تونس، به‌عنوان یک کشور عربی غرب آسیا به خاطر سیستم سیاسی استبدادی مشابه خود با کشورهای عرب منطقه، هرگونه تحرک انقلابی را محکوم کرده است. زیرا آغاز هرگونه تغییری در سیستم سیاسی منطقه‌ای می‌توانست به معنای از دست رفتن قدرت این کشور در منطقه باشد. اما به گفته نیاکویی و ستوده عربستان سعودی در منازعات داخلی عراق و سوریه راهبرد کلان ستیزه جویانه خود علیه ایران را وارد

مرحله جدیدی کرده است. در واقع از آنجایی که سوریه و عراق در اوایل قرن بیست و یکم پیوند عمیقی با گفتمان انقلاب اسلامی در بعد اسلام‌گرایی و محور مقاومت برقرار نموده، عربستان استراتژی تغییر رژیم به دنبال قطع این پیوندها در مرحله نخست و در مرحله بعد در پی تضعیف انقلاب اسلامی با گسست در محور مقاومت می‌باشد (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۴). همچنین از نگاه عربستان تحولات یمن، جنگ با قدرت و نفوذ ایران در شبه جزیره عربستان و در کنار مرزهای جنوبی اش و تلاش برای از بین بردن متحدان ایران است (آل سیدغفو و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). نزدیکی وجوه فکری و رفتاری جنبش انصارالله با مبانی پیشین انقلاب اسلامی سبب شده است تا عبدالرحمن الراشد دبیر سابق روزنامه الشرق الاوسط و از چهره‌های کلیدی عربستان در حوزه رسانه، حوثی‌ها را «تندروهای ایرانی» بنامد. لذا در این شرایط به نظر می‌رسد آل سعود تمامی هم و غم خود را معطوف خواهد کرد تا از تبدیل شدن انصارالله به مدلی نظیر الگویی حزب‌الله لبنان ممانعت به عمل آورد. از این جهت می‌بایست علت ورود مستقیم عربستان به مسئله یمن و نیز تلاش برای چینش عناصر دلخواه در ساختار قدرت در این کشور را در چارچوب تهدیدات منطقه ای عربستان (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۴) علیه ایران متصور شد. در ۱۴ مارس ۲۰۱۱، عربستان حدود ۱۰۰۰ نیروی نظامی برای حمایت از حکومت بحرین و سرکوب معترضان شیعی به بحرین فرستاد (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۵). پورحسن در ارتباط با لبنان و فلسطین توضیح می‌دهد که عربستان با توجه به چابگاه حزب‌الله در قدرت منطقه‌ای ایران، اقدامات خصمانه گسترده ای علیه حزب‌الله انجام می‌دهد. برای نمونه اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس [با فشار عربستان] حزب‌الله را سازمانی تروریستی در سال ۲۰۱۶ اعلام کردند (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۳). نویسنده با توجه به داده‌های ذکر شده بر این اعتقاد است که نزاع ایران و عربستان در این منطقه اهمیت سیاسی و عقیدتی یکسانی داد.

۳-۱-۳. آسیای میانه (افغانستان) و شبه قاره (پاکستان)

در چند دهه اخیر پشتبانی عربستان سعودی از جریان وهابیت و افراط‌گرا در دانشگاه‌ها، مساجد و مدارس افغانستان از مهم‌ترین اهداف عربستان سعودی در این کشور بوده است. در چند سال اخیر تلاش‌های عربستان سعودی برای گسترش افراط‌گرایی و باورهای وهابیت در این کشور در دوران حکومت وحدت ملی با چراغ سبز اشرف غنی روبرو شده و به صورت قابل ملاحظه افزایش

یافت. کمیته کمک‌رسانی عربستان سعودی نیز در ادامه تلاش‌های این کشور برای گسترش نفوذ فرهنگی و عقیدتی در افغانستان چندین کتابخانه را به ارزش صدها هزار دلار در شماری از ولایت‌های افغانستان ایجاد کرده است. شماری از کارشناسان بر این باورند که هدف عربستان سعودی از ساخت دانشگاه بزرگ اسلامی در افغانستان، ترویج افکار وهابیت و ایجاد پایگاه فکری برای جریان‌های تکفیری در افغانستان است.

تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ فرقه‌گرایی و مسئله شیعه و سنی در روابط ایران و پاکستان به هیچ عنوان، نقش تعیین‌کننده‌ای نداشت (جوادی‌ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵) اما با پیروزی انقلاب ایران و استقرار حکومتی مذهبی و اظهارات روشن و شفاف رهبران ایران مبنی بر حمایت از مستضعفان جهان و صدور انقلاب، همه کشورهای که به نوعی ممکن بود مقصد صدور انقلاب باشند، نگران شدند. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پاکستان در اعتراض به تصمیم ضیاءالحق مبنی بر تدوین قانون شریعت پاکستان بر مبنای فقه حنفی، در اسلام‌آباد به صورت مسلحانه تجمع کردند و برای چند روز ادارات و ساختمان‌های وزارت خانه‌ها را به اشغال درآوردند تا دولت را مجبور کنند از تحمیل اجرای فقه حنفی بر شیعیان صرف‌نظر کند که موفق هم شدند. این اقدام پیامی محکم به ضیاءالحق بود و محرک دیگری برای اقدامات افراط‌گرایانه او شد (شفیعی و قلیچ‌خانی، ۱۳۸۹: ۹). مجموع این شرایط یعنی تغییر در سیاست خارجی ایران و فشار شیعیان به دولت پاکستان از دو جنبه داخلی و خارجی به رشد گروه‌های رادیکال ایران‌ستیز در پاکستان کمک نمود. در سطح داخلی، موجب تشدید حضور نیروهای اسلام‌گرا در دوران حاکمیت ضیاءالحق (۸۸-۱۹۷۷) شد. دورانی که نمونه‌ای بی‌مانند از ترویج سیستماتیک اسلام‌گرایی از بالا بود. ضیاءالحق از ابزار اسلام‌گرایی برای تأمین منافع ملی پاکستان بهره جست. از درون این تحول ده‌ها جریان تندرو سر برآورد که از بین آنها سپاه صحابه با رویکردهای شدید ضدایرانی-شیعی مورد حمایت دولت ضیاءالحق قرار گرفت. در سطح خارجی، ایران در مقابل پاکستانی قرار گرفت که با اکثریت سنی، خواهان سیاست حفظ وضع موجود در منطقه غرب آسیا بود. این خط مشی دولت پاکستان مورد استقبال کشورهای عربی منطقه خاورمیانه به‌ویژه عربستان سعودی قرار گرفت (Kouzehgar Kaleji, 2012: 146-147).

بنابراین، دولت عربستان به دلیل اعتقاد به وهابیت، رابطه نزدیکی با برخی گروه‌های افراط‌گرا در پاکستان دارد (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). بطوری که؛ یک روزنامه‌نگار پاکستانی به نام عزار سید در سال ۲۰۰۹ در مقاله‌ای فاش کرد؛ آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید با سران طالبان مذاکره کنند و این مذاکره باید از طریق لابی‌های سازمان اطلاعاتی پاکستان و عربستان جریان یابد (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۹). بر اساس این داده‌ها، نویسنده معتقد است عربستان سعودی در افغانستان و پاکستان از عوامل فرقه‌ای و عقیدتی خود بهره زیادی در جهت اهداف سیاسی می‌برد، مادامی که افراط‌گرایی اسلامی در پاکستان همواره تهدیدات زیادی علیه جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. از اینرو می‌توان نتیجه گرفت با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بخشی از افراط‌گرایان اهل سنت در پاکستان با استفاده از حداکثر حمایت‌های داخلی و خارجی سعی می‌کنند به هر میزان ممکن فضا بالاخص مرزهای جمهوری اسلامی ایران را برای شیعه و جمهوری اسلامی ایران ناامن سازند.

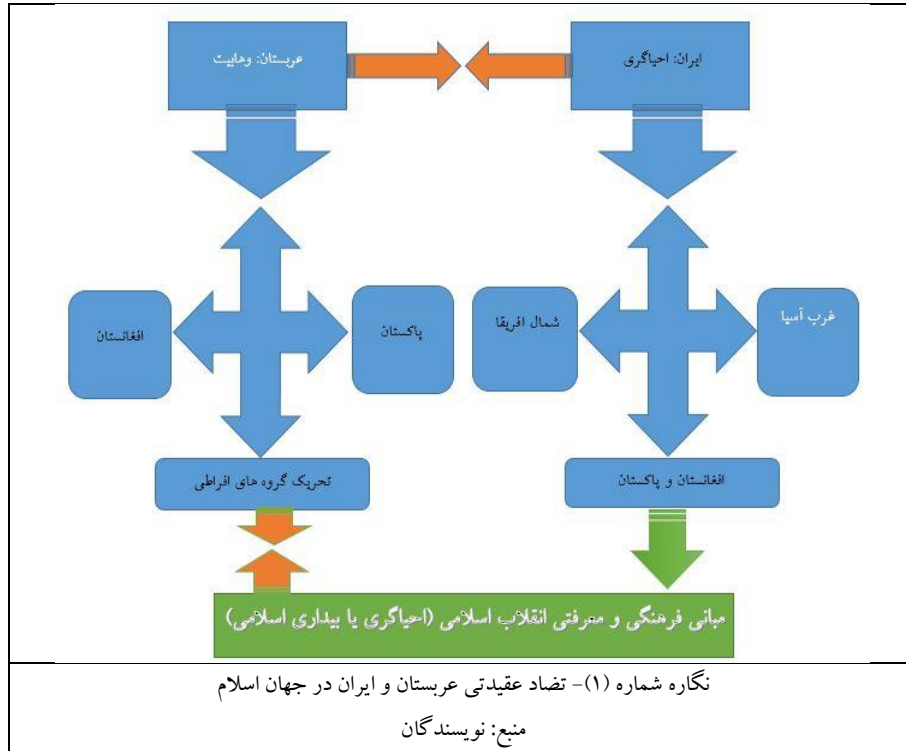
مادامی که در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ گروه تروریستی جیش‌العدل با استفاده از یک خودروی حاوی مواد منفجره، یک حمله انتحاری علیه اتوبوس حامل نیروهای قرارگاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جاده خاش - زاهدان انجام داد و مسئولیت آن را بر عهده گرفت. طبق آمار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعداد شهدای این حمله ۲۷ نفر و زخمی‌های آن ۱۳ نفر بودند. از دیگر نکات مهم تهدیدات گروه‌های افراطی، رابطه آنها با گروه‌های تجزیه طلب نظیر گروه تروریستی جندالله و جیش‌العدل است. به گفته علی‌خان، جندالله ارتباطات نزدیکی با ناسیونالیست‌های بلوچ داشت و سازمان‌های ضدشیعی پاکستان مانند لشکر جنگجویی از این گروه افراطی حمایت می‌نمودند (AliKhan, 2012: 130).

132)

نکته قابل توجه در تمامی این حوادث فعالیت آزادانه گروهک‌های تروریستی در خاک کشور پاکستان است که هر بار به خود اجازه تجاوز به مرز جمهوری اسلامی ایران را داده و بعد از هر درگیری و شرارت اعضای باقیمانده این گروهک به خاک پاکستان متواری می‌شوند. در این منطقه مرزی، بعد از جالق، به سمت جنوب و جنوب شرق، ارتفاعات متعددی وجود دارد که به دلیل

داشتن شیارها و گردنه‌های پیچ در پیچ محل مناسبی برای تک‌های محدود با گردان‌های کوچک و متوسط است. همین شرایط در سراوان نیز حاکم است. در این مناطق دید ممتد به ارتفاعات وجود ندارد و محل اختفاء و گذران اشراَر (علی‌نژاد و عابدی، ۱۳۹۳) و گروه‌های تروریستی است. یکی از این گروه‌ها سپاه صحابه^۱ نام دارد. این گروه به مخالفت جدی با شیعیان، ایجاد خلافت اسلامی و به برقراری شریعت اسلامی اهل سنت مشهور است. آنها شیعیان را مسلمان نمی‌دانند. در حقیقت سپاه صحابه برای مقابله با انقلاب ایران و آنچه که فعالیت شیعیان طرفدار ایران در پاکستان می‌دانند، به وجود آمد (South Asian Terrorism Portal, 2013). همچنین، لشکر جنگجوی^۲ توسط رهبری سپاه صحابه به عنوان شاخه نظامی آن جدای از شاخه سیاسی به وجود آمد تا سپاه صحابه در حوزه سیاسی و لشکر جنگجوی در عملیات خشونت‌بار نظامی همزمان فعالیت داشته باشند. هر دوی آنها دارای عقاید فرقه‌ای مشابهی هستند. اهداف اعلام شده لشکر جنگجوی عبارتند از: برقراری یک دولت سنی پاکستان در صورت نیاز با استفاده از زور و خشونت، اعلام شیعیان به عنوان غیرمسلمان و حذف عقاید دینی دیگر بویژه یهودیان، مسیحیان و هندوها. برخی منابع معتقدند که لشکر جنگجوی خطرناک‌ترین گروه قوی خشونت‌طلب موجود در پاکستان است (Australia Government, 2013). تحریک طالبان^۳ نیز در یک گروه تروریستی است که در مجموع اقدامات آن ضد شیعیان، باید بخشی از دستور کار وسیع‌تر استراتژیک محسوب شود. بخش اعظم فعالیت‌های متمرکز ضدشیعی منسوب به این گروه در منطقه کورام واقع در مرز افغانستان رخ می‌دهد که دسترسی آسانی به کابل دارد. اهمیت استراتژیک کورام آن را ناحیه‌ای مهم برای فعالیت‌های طالبان افغانستان و شبکه حقانی بر ضد نه تنها شیعیان کورام بلکه مخالفت با ایدئولوژی شیعه در تمام منطقه کرده است (Australia Government, 2013).

1. Sipah-e- Sahaba
2. Lashkar-e- Jhangvi
3. Tehreek-e- Taliban



۴. روش پژوهش و محیط شناسی

روش اصلی تحقیق حاضر؛ قیاسی و رویکرد آن تحلیلی است. نوع این پژوهش؛ کیفی، نظری و کاربردی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای و اسنادی است و ابزارهای گردآوری داده‌ها؛ فیش برداری خواهد بود.

خط مرزی ایران و پاکستان نام سرحد و حاشیه بین دو کشور ایران و پاکستان به فاصله ۹۵۹ کیلومتر (۵۹۶ مایل) می‌باشد که این دو کشور را از یکدیگر جدا می‌کند. این مرز از نقطه تقاطع مشترک ایران، پاکستان و افغانستان آغاز می‌شود و خطی نسبتاً مستقیم به سمت جنوب شرقی را دنبال می‌کند تا به چشمه‌های آب گرمی برسد. در انتها، مرز به خلیج گواتر در دریای عمان ختم می‌شود. با توجه به شرایط موجود و نیز گستردگی مرز این دو

کشور به نظر می‌رسد تهدیدات امنیتی از سوی پاکستان برای ایران در چند ساله اخیر گسترش یافته و در نتیجه هزینه‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص کنترل و مهار این تهدیدات افزایش می‌یابد.



۵. یافته‌ها

نویسنده در مجموع معتقد است: آنچه‌آن که وقایع مرزی نشان می‌دهد مهم‌ترین تهدیدات مرزی پاکستان علیه ایران با حمایت عربستان گروه‌های افراطی تغذیه شده از وهابیت هستند. لذا در ذیل به شرح تهدیدات مزبور پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین تهدیدات گروه‌های افراطی مورد حمایت عربستان علیه مناطق مرزی ایران با پاکستان در موارد زیر خلاصه می‌گردند:

۱- ۵. شیعه ستیزی و ترویج فرقه وهابیت

در داخل پاکستان، مدارس تحت نفوذ عربستان از موضع ستیزه‌جویانه عربستان در برابر ایران حمایت می‌کنند. با توجه به قدرت روزافزون این گونه مدارس، موج خشونت و ضدیت با هواداران اسلام انقلابی شیعی مورد حمایت ایران نیز تشدید می‌گردد. در واقع عربستان در

اوایل دهه هشتاد میلادی برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان پاکستان، وارد صحنه شد. اصلی-ترین ماده درسی در این مدارس، جهاد طبق الگوی ترکیبی ایدئولوژیکی مکتب دیوبندی و مکتب سلفی است (رشیدی و شاهقلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۷). نمود رشد مدارس دینی به وضوح در آموزه‌های سپاه صحابه منعکس شده است. این گروه در جزوه‌ای با نام «افشای چهره واقعی انقلاب اسلامی» آورده است: «انقلاب اسلامی ایران توطئه‌ای جهانی علیه اسلام است. انقلاب خمینی اولین تلاش عمده شیعیان برای گسترش شیعه‌گری (شیعیسم) در سراسر اروپا از طریق ترکیه تا روسیه و از طریق کشورهای مسلمان آسیای میانه و تا سریلانکا از طریق پاکستان بود...» (شفیعی و قلیچ خانی، ۱۳۸۹: ۲۶). در این ارتباط، مهم‌ترین شهر اهل سنت در ایران زاهدان است که حوزه علمیه مکی این شهر از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در این مرکز افزون بر طلبه‌های بلوچ، فارس، کرد و ترکمن ایرانی، افغان‌ها و پاکستانی‌های مهاجر نیز مشغول فراگیری علوم مذهبی هستند. نقش مولوی‌ها بعد از انقلاب در مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مناطق سنی نشین به مانند تشیع اهمیت ویژه یافت. اکثر این مولوی‌ها در پاکستان درس خوانده‌اند و تحت تأثیر مکتب دیوبندی هستند. آنها به طور ناخودآگاه نسبت به پاکستان و مردم آن کشور نگاهی هویتی دارند و از دیدی برادرانه به آنها نگاه می‌کنند (حتی مولوی‌های فارسی زبان). این تأثیرپذیری ایرانیان سنی از پاکستانی‌ها در چند سال اخیر باعث رشد افراط‌گرایی در ایران شده است؛ تا جایی که در سال‌های اخیر گروه جندالله (مهمترین گروه افراط‌گرای شرق ایران) با تأثیر از مدارس مذهبی پاکستان (افراد این گروه از جمله سردسته آنها عبدالمالک ریگی در کراچی درس خوانده‌اند)، در خاک ایران دست به عملیات تروریستی می‌زدند و پس از قتل و جنایت در داخل ایران به خاک پاکستان متواری و مخفی می‌شدند (جوادی‌ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶).

۲-۵. مواد مخدر

رابطه معنادار و مستقیمی بین میزان درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های گروه‌های افراطی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؛ چرا که این گروه‌ها از مواد مخدر و

سود ناشی از آن برای مبارزه با فقر اقتصادی خود، استفاده می‌کنند (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۷) به طوری که؛ یکی از منابع مالی طالبان قاچاق مواد مخدر و ارتباط با شبکه تجاری مافیای مواد مخدر است (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۳۲). رهبران طالبان شرعاً تولید مواد مخدر و ارسال آن به کشورهایمانند ایران را حلال و مباح اعلام کرده‌اند. به گفته یکی از تحلیلگران، طالبان از تولید و قاچاق مواد مخدر اهداف سیاسی دنبال کرده، درصدد بسط نفوذ و تحمیل خویش به کشورهای منطقه به ویژه ایران است (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۰). پاکستان به عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه‌ای و بین‌المللی شناخته می‌شود. وجود مناطق قبایلی خود مختار و خاکستری مانند «خیبر»، «سرحد» و «مند» باعث شده تا لایراتوارهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال باشند. این شرایط موجب به وجود آمدن تهدیداتی برای امنیت ملی ج.ا.ا. شده است. به گروگان گرفته شدن تعداد ۹ نفر از سربازان ناجا در اوایل دی ۱۳۸۴ در مرز شرقی توسط اشرار قاچاقچی وابسته به القاعده و انتقال آنان به پاکستان از نمونه‌های بارز امن بودن این کشور برای اشرار و قاچاقچیان است (محمدی و غنجی، ۱۳۸۱). همچنین برخی از این گروه‌های افراطی از جمله طالبان حمایت از گروه‌های قاچاقچی در ایران را تشدید کرده و با کمک آنها در صدد ایجاد ناامنی در عمق کشور و دامن زدن به تعارضات سیاسی و مذهبی به ویژه در مناطق مرزی هستند. حمایت از گروهی موسوم به الفرقان و یکی از اشرار و قاچاقچیان معروف بلوچستان به نام مولابخش درخشان، موسوم به «مولک» در همین جهت صورت گرفت. گروه شرور فوق در اسفند ۱۳۷۶ در شهرستان ایرانشهر مورد حمله نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۲). هم اینک محموله‌های عمده و بزرگ مواد به‌وسیله کاروان‌های بزرگ مجهز به تجهیزات مدرن مانند دستگاه‌های پیشرفته مخبراتی، دوربین‌های دید در شب، انواع سلاح‌ها و بعضاً موشک‌های ضد هوایی به همراه نفرات آموزش دیده و آشنا به منطقه وارد کشور می‌شوند. از اینرو مقابله با آنان به سادگی گذشته امکان‌پذیر نیست. از طرفی، نتیجه ناکارآمدی و تدوین سیاست‌های اشتباه در افغانستان و پاکستان در حوزه مقابله با تولید و ترانزیت مواد مخدر

ظرف سال‌های گذشته، نه تنها تهدیداتی جدی را در موضوعات اجتماعی و فرهنگی متوجه جمهوری اسلامی ایران نموده است، بلکه مقابله جدی کشورمان با این پدیده تاکنون منجر به شهادت ۳۶۰۰ تن [عمدتاً از پرسنل نیروی انتظامی] و ایجاد معلولیت برای حدود ۱۲۰۰۰ تن از پرسنل دستگاه‌های مربوطه گردیده و علاوه بر این، به لحاظ مالی نیز صدها میلیون دلار هزینه و نیز خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم سنگینی را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل نموده است (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۶).

۳-۵. تجزیه‌طلبی

پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها و بلوچ‌ها و پیروی برخی از گروه‌های افراطی آنها از سلفی‌گری مورد حمایت طالبان و القاعده در این منطقه می‌تواند تهدیداتی جدی علیه امنیت ملی ایران پدید آورد. خیزش‌های جدایی‌طلبانه مسلحانه قومی، حملات ایدایی چریکی و سبک و روش جنگ‌های جهادی از جمله تهدیدات خطرناک علیه امنیت قومی استان‌های مجاور مرزهای شرقی ایران به شمار می‌رود. نفوذ عوامل القاعده و تفکر وهابیسیم در برخی از جنبش‌های قومی بلوچ می‌تواند به تباری گروه‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته، احزاب ناسیونالیستی افراطی، بنیادگرایی دینی و غیره بینجامد و به تدریج جبهه‌ای سیاسی-نظامی برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های مجاور شرقی باز کند. از آنجایی که ناامنی‌ها در مرزهای شرقی ایران ایجاب می‌کند که به مسائل و تحولات این منطقه پس از تحولات ۱۱ سپتامبر بیشتر توجه شود، بعضی از مقامات ارشد دولتی ایران معتقدند که گروه جُنَدالله تحت تأثیر تفکرات طالبانیسم هستند (پیشگاه‌هادیان، ۱۳۸۶: ۱-۲).

این گروه بر پایه مطالبات قوم بلوچ، موجب شکل‌گیری پویش بسیار جدی قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی در جنوب شرقی ایران شده است و برای پیشبرد اهداف خود از افراط‌گرایی دینی (برداشت افراطی از مذهب اهل تسنن مبتنی بر آموزه‌های سلفی وهابی) و نیز اقدامات تروریستی، به نحو موثری بهره گرفته است. گروه‌گانیگری پرسنل مرزبانی، حمله به ستون‌های گشتی نیروی انتظامی ایران، حمله به مسافران در محور تاسوکی-زابل و به شهادت رساندن ۲۲ شهروند ایرانی و گروه‌گانیگری ۷ تن دیگر، از مهم‌ترین اقدامات این گروه تروریستی به شمار می‌رود. نقطه اوج

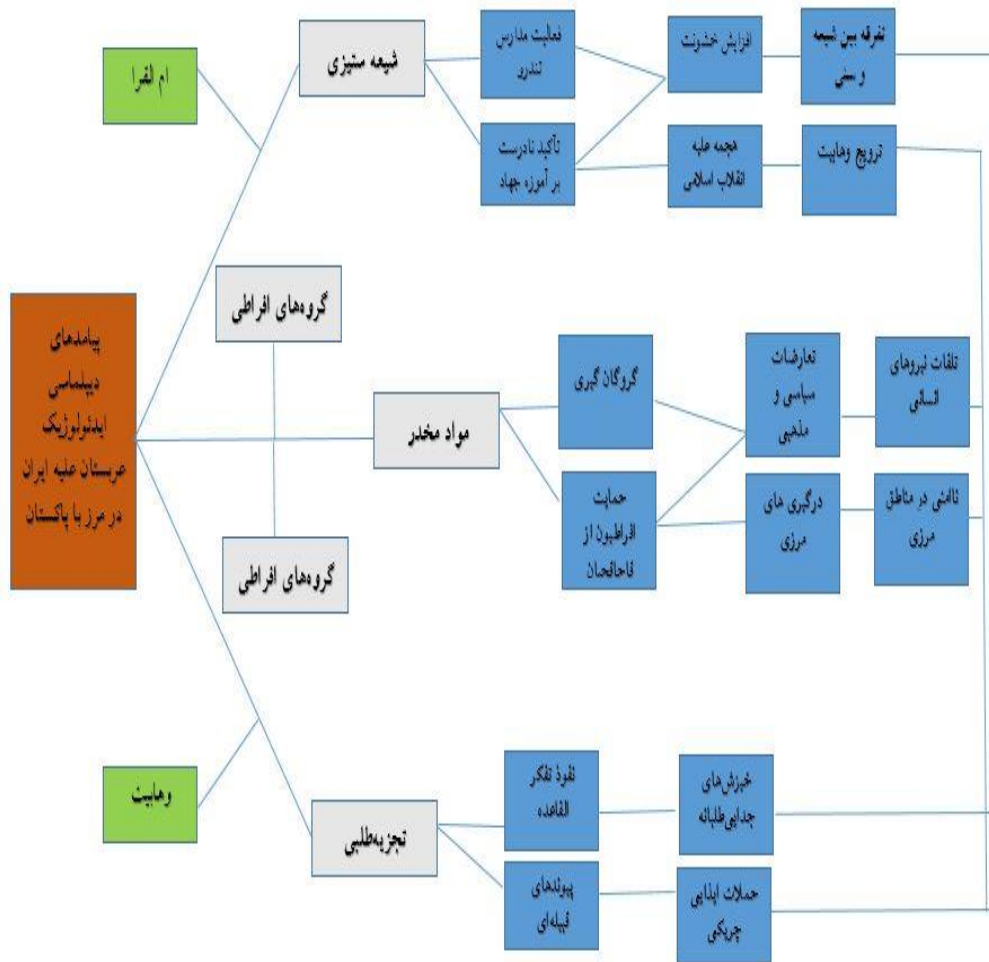
اقدامات این گروه را باید به شهادت رساندن بیش از ده‌ها نفر از افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از جمله سردار شوشتری، معاون نیروی زمینی این نهاد مهم نظامی ایران در اکتبر ۲۰۱۰ دانست که تأثیر بسیار منفی‌ای بر روابط ایران و پاکستان برجای گذاشت. بعد از وقوع این حادثه تروریستی، بلافاصله نوک پیکان موضع‌گیری رسانه‌ها و مقامات ایران، متوجه دولت پاکستان شد و در شدیدترین موضع‌گیری، محمود احمدی‌نژاد، رسماً مقامات پاکستانی را متهم به دخالت در این حمله تروریستی نمود و خواهان بازداشت و استرداد عبدالملک ریگی، رهبر گروه تروریستی جندالله به ایران شد. اسلام‌آباد در گام نخست، این اقدام را محکوم کرد و ۱۱ افسر امنیتی ایران را که به صورت غیرقانونی وارد خاک پاکستان شده بودند، آزاد ساخت دستگیری عبدالملک ریگی توسط عوامل اطلاعاتی ایران در فوریه ۲۰۱۱ و سپس اعدام وی، تا حدودی توانست این فضا را تعدیل نماید (Kouzehgar kaleji, 2012: 149-150).

اما گروهی موسوم به "جیش العدل"، به عنوان بقایای گروهک جندالله، ۱۴ تن از مرزبانان نیروی انتظامی ایران را در سوم آبانماه ۱۳۹۲، به شهادت می‌رساند. وبلاگ این گروه وعده داده که به این گونه کشتارها ادامه خواهد داد. این اشرار سپس از منطقه مرزی ایران فرار کرده و در پاکستان پناه گرفتند. با این حال گروه جیش‌العدل مدعی است که "ده‌ها" نفر را کشته است. وبلاگ جیش-العدل در کنار انتقاد از حکومت ایران برخی مطالب توهین‌آمیز نسبت به مسلمانان شیعه را نیز منتشر کرده است. این گروه تندرو سنی مذهب مدعی شده است که قتل مرزبانان ایرانی را در "دفاع" از جوانان بلوچ، کرد و خوزستانی انجام داده است. همچنین گروهک جیش‌العدل در ۱۷ بهمن ماه ۱۳۹۲، پنج مرزبان ایرانی را در یکی از مناطق شرق کشور، به گروگان گرفت و به داخل پاکستان انتقال داد.

نفوذ عوامل القاعده و تفکر طالبانیسم در برخی از جنبش‌های قومی بلوچ می‌تواند به تبانی گروه‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته، احزاب ناسیونالیستی افراطی، بنیادگرایی دینی و غیره بینجامد و به تدریج جبهه‌ای سیاسی - نظامی برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های مجاور شرقی باز کند. از آنجایی که ناامنی‌ها در مرزهای شرقی ایران ایجاب می‌کند که به مسائل و تحولات این منطقه پس از تحولات ۱۱ سپتامبر بیشتر توجه شود، بعضی از مقامات ارشد دولتی ایران معتقدند که گروه جندالله تحت تأثیر تفکرات طالبانیسم

هستند (پیشگاه‌ها دیان، ۱۳۸۶: ۲-۱). در این ارتباط، پناه دادن به اشرار و جذب افراطیون بلوچ پدیده دیگری است که در سال‌های اخیر از سوی افراط‌گرایان پاکستان مشاهده شده است. برای نمونه، گروه تروریستی جندالله مدعی بود که ۱۰۰۰ مبارز در اختیار دارد و ۴۰۰ سرباز ایرانی و تعداد بیشتری از غیر نظامیان ایرانی را به قتل رسانده است - (AliKhan, 2012: 130-132). همچنین حزب الفرقان بلوچستان ایران تشکلی عمدتاً مذهبی است که مولوی‌های ناراضی از حکومت شیعی ایران در آن فعال‌اند. این حزب در پاکستان وابسته به سپاه صحابه است. سپاه صحابه پیوسته در ارتباط با حکومت عربستان سعودی است که عمدتاً به دعوت وزارت حج و اوقاف عربستان به آن کشور اعزام می‌گردند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۳۴).

نگاره شماره (۲) - دستاوردهای پژوهش



منبع: نویسندگان

۶. بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی این مقاله عبارت بود از اینکه عربستان سعودی بواسطه نقش مروج وهابیت که برای خود در نظر دارد، سبب تحریک مستقیم گروه‌های افراطی پاکستانی علیه امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. عربستان از فرقه‌گرایی به عنوان راهبردی ضد انقلابی علیه تحولات منطقه‌ای استفاده کرده است که با افراطی‌گری برای اختلافات قومی و مذهبی در این راستا گام برمی‌دارد. در واقع، سیاست فرقه‌گرایی عربستان باید در چارچوب تحولات غرب آسیا بررسی شود. گروه‌های تروریستی و تکفیری یکی از تهدیدات بزرگ پیش روی مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا هستند. تاریخ معاصر به کرات نشان داده که گروه‌های مزبور از بسیاری جهات تحت حمایت مستقیم عربستان سعودی می‌باشند. "دویچه وله" در گزارشی در سال ۲۰۱۲ عربستان سعودی را بزرگترین حمایت‌کننده مالی تروریست‌ها در دنیا معرفی کرد و عنوان داشت: عربستان سعودی می‌خواهد یک شریک مطمئن برای غرب باشد، این در حالی است که هیچ کشور دیگری به اندازه عربستان کمک‌های مالی در اختیار تروریست‌های اسلام‌گرای افراطی قرار نمی‌دهد. براساس یک گزارش از وزارت امور خارجه آمریکا که در ویکی‌لیکس منتشر شده است، سازمان‌های تروریستی از جمله القاعده از هیچ کشوری به اندازه عربستان سعودی پول دریافت نمی‌کنند. عربستان پیشتر این سیاست را در پاکستان به اجرا گذاشت که با موفقیت چشم‌گیری روبرو شد، به طوری که نیروهای القاعده از آن سرچشمه گرفتند. گفته می‌شود بیش از ۳ میلیون محصل وهابی در پاکستان و صدها هزار محصل در افغانستان مشغول تحصیل در مدارس وهابی وابسته به سعودی‌ها هستند (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴).

در ارتباط با حمایت عربستان از داعش نیز العالم به نقل از تیم اندرسون در یک روزنامه کانادایی می‌نویسد: «عربستان در سال ۲۰۰۶ با اشاره آمریکا برای جلوگیری از برقراری روابط محکم میان عراق و ایران اقدام به ایجاد "القاعده" در عراق کرد؛ ریاض در سال ۲۰۱۱ [ابتدا] دست به حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریست‌های افراطی در درعا (ی سوریه) و [سپس] حمایت مالی و تسلیحاتی از همه گروه‌های تروریستی در این کشور زد

و تلاش کرد شکاف موجود میان گروه های حمایت شونده برای جلوگیری از قدرت گرفتن آن ها حفظ شود.» (خبرگزاری العالم، ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۴). همین وضعیت در ارتباط با مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران نیز متصور است. عربستان سعودی همواره از گروه های تروریستی - تکفیری حمایت مادی و معنوی به عمل آورده است. به تبع آن این گروه های افراطی تهدیدات علیه امنیت مرزهای ایران با پاکستان داشته اند. در این ارتباط، عربستان با سرمایه گذاری در مدارس دینی عمدتاً قبیله ای پاکستان به ترویج و تقویت وهابیت در بین طلاب ازبک، تاجیک، چچن، عرب و پاکستانی می نماید. اهمیت این مسئله زمانی علیه امنیت ملی ایران دوچندان می شود که برخی از سران گروهک های تروریستی تجزیه طلب در مرزهای شرقی ایران همچون عبدالمالک ریگی در همین مدارس درس خوانده اند. در این زمینه تهدیدات گوناگونی که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به چالش می کشند شامل مواردی چون: حملات تروریستی، ترانزیت مواد مخدر، گرونگانگیری و به شهادت رساندن اتباع ایران، تقویت وهابیت در جنوب شرق کشور، همکاری گروهک های تجزیه طلب با منافقین و همکاری آن ها با طالبان و افراطیون اسلامی پاکستان می شود.

فهرست منابع

- احمدیان، حسن و زارع، محمد، (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه *ره‌نامه سیاست‌گذاری*، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، شماره ۲، صص، ۷۵-۹۸.
- احمدی، حمید و بیدالله‌خانی، آرش، (۱۳۹۱)، «طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی»، فصلنامه *سیاست*، دوره ۴۲، شماره ۱، صص، ۲۱-۳۷.
- آدمی، علی (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار، صص ۶۸ - ۱۴۱.
- پورحسن، ناصر، (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ۲۰۱۷-۲۰۱۵»، فصلنامه *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۸، شماره ۴، صص، ۲۷-۴۶.
- پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر، (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، فصلنامه *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۳، صص، ۸۱-۹۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا، میرزاده، مهدی کوهشاهی، (۱۳۹۳)، «تبیین عوامل مؤثر در بحرانزایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان»، فصلنامه *جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۶، صص، ۸۰-۶۱.
- پیشگاه‌ها‌دی‌ان، حمید، (۱۳۸۶)، «امنیت مرزهای شرقی ایران»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی/گروه *مطالعات استراتژیک*، صص ۵-۱.
- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر و بیدالله‌خانی، آرش و رضایی‌زاده، پیمان، (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی»، فصلنامه *مطالعات شبه قاره*، سال ۴، شماره ۱۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، و کاویانی، مراد، (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مورد: قوم بلوچ)»، مجله *پژوهشی دانشگاه اصفهان علوم انسانی* جلد ۲۰، شماره ۱.
- حق‌پناه، جعفر، (۱۳۷۷)، «فاجاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، پیش شماره دوم.
- حیدری، محمد، انعامی علمداری، سهراب و فتاحی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره سوم.
- خضری، احسان؛ صفوی، سیدحمزه و پرهیزکار، امین، (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان (مطالعه‌ی موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)»، فصلنامه *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دوره ۷، شماره ۲۳، صص، ۱۷۹-۲۰۷.
- دهشیری، محمدرضا و حسینی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۵)، «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان»، فصلنامه *روابط خارجی*، سال ۸، شماره ۱، صص، ۱۱۱-۱۴۳.

- رجایی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «خطر گسترش وهابیت در افغانستان و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه پیام مبلغ، سال ۲، شماره ۲، صص، ۱۶۷-۱۸۸.
- رشیدی، احمد و شاه‌قلعه، صفی‌الله، (۱۳۹۱)، «مبانی فکری ضدیت «طالبان‌نیم» پاکستان با شیعیان»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۱، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۲.
- رضاپور، حسین، (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳۷، صص، ۱۵۸-۱۴۱.
- زین‌العابدین، یوسف؛ شیرزاد، زهرا و جوکار، نسیم، (۱۳۸۹)، «عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۱، شماره ۲، صص، ۷۱-۸۰.
- شفیعی، نوذر، و قلیچ‌خانی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، «تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- عرب‌احمدی، (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله جویانه عربستان سعودی در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۳، صص، ۱۲۳-۱۰۱.
- عصمت‌اللهی، محمدحاشم، (۱۳۸۸)، جریان پرشتاب طالبان، تهران: انتشارات الهدی، ص ۱۱۷.
- علی‌نژاد مهدی و عابدی، یونس، (۱۳۹۳)، «تحلیل جغرافیایی نوار مرزی ایران و پاکستان از منظر دفاع و امنیت (بر اساس داده‌های GIS)»، فصلنامه مطالعات مرزی، شماره ۵، صص، ۲۸-۱.
- قاسمی پور، محمد و صفی پور محسن، (۱۳۹۲)، پژوهشنامه جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۴، صص، ۱۰۶-۱۲۸.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۵)، «کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان»، نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: توسعه ناحیه ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران، آبان.
- محمدی، حمیدرضا و غنجدی، محمد، (۱۳۸۱)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۱.
- میرزایی، جلال و داوند، محمد، (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۳، صص، ۷۱-۸۸.
- نیاکوئی، امیر و ستوده، علی اصغر، (۱۳۹۴)، «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۴، شماره ۱۷، صص، ۹۵-۱۱۰.
- واعظی، محمود، (۱۳۹۰)، «ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان»، مجله کانون‌های بحران در آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک (مقالات تخصصی)، صص ۴۵-۱۵.
- Ali Khan, Zahid, (2012), "Balochistan Factor in Pak-Iran Relations: Opportunities and Constraints", *A Research Journal of South Asian Studies*, Vol. 27, No. 1, January-June. pp, 121-140.
- Australia Government, (2013), "Pakistan Militant Groups", <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=2&cad=rja&ved=0CD>
- Australia Government, (2013), "The Pakistani Taliban",

<http://www.refworld.org/pdfid/514313f12.pdf>
Balamir, Bezen (2017). "Energizing the Middle East: Iran, turkey and Persian Gulf states",
http://esiweb.org/pdf/esi_turkey_tpq_vol9_no2_bezen-balamir-coskun.pdf
Einhorn, Robert (2016). "The Iran Nuclear Deal: Prelude to Proliferation in the Middle East?"
https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/05/acnpi_20160531_iran_deal_regional_proliferation.pdf
Kouzehgar Kaleji, Vali,(2012), "Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties", Iranian review of
Foreign Affairs, Vol. 2, No. 4, 141-178
South Asian Terrorism Portal, (2013), "Sipah-e-Sahaba Pakistan",
<http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/ssp.htm>

